

ارزیابی ادعای آلوسی در باب نسبت تحریف قرآن به شیعه از منظر آیت‌الله فاضل لنکرانی^۱

حجت‌الاسلام دکتر فتح‌الله نجارزادگان^۲

فاطمه نجارزادگان^۳

چکیده

آیت‌الله فاضل لنکرانی در کتاب مدخل التفسیر پس از آن‌که دیدگاه مذهب امامیه را درباره تحریف‌ناپذیری قرآن بیان می‌کند، به نقد محمود آلوسی (م/۱۲۷۰) مؤلف تفسیر روح‌المعانی می‌پردازد که به‌صراحت شیعه را به تحریف قرآن متهم ساخته است. آیت‌الله فاضل در سه محور ادعای آلوسی را نقد و ابطال کرده است: **الف)** چشم‌پوشی آلوسی درباره اجماع امامیه و محققان مذهب در تحریف‌ناپذیری قرآن و نیز علاج آنان از روایات تحریف‌نما در مدارک شیعی، **ب)** ابطال ادعای آلوسی درباره اجماع اهل سنت بر عدم تحریف براساس معیارهای آلوسی، **ج)** ابطال نظریه نسخ‌التلاوة در علاج روایات تحریف‌نما در مدارک سنی و اثبات همسانی این نظریه با قول به تحریف. این مقاله کوشیده در هر کدام از این سه محور، دیدگاه آیت‌الله فاضل را غنا بخشد و با تکمیل، شرح، پاسخ‌های نقضی و... به گزاف‌گویی‌های آلوسی پایان دهد.

کلیدواژه: آیت‌الله فاضل، آلوسی، تحریف‌ناپذیری قرآن.

مقدمه

مرحوم آیت‌الله فاضل لنکرانی در کتاب مدخل التفسیر فصلی را تحت عنوان «عدم تحریف‌الکتاب»

۱. تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۸/۱۲ تاریخ تصویب: ۱۳۹۸/۱۱/۱۰.

۲. استاد پردیس فارابی دانشگاه تهران najarzadegan@ut.ac.ir

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد پردیس فارابی دانشگاه تهران najjarzadehgan@gmail.com

گشوده و در آن پس از تعریف معانی تحریف و ارزیابی و نقد آن، دیدگاه مذهب امامیه را درباره تحریف‌ناپذیری قرآن بیان کرده است. ایشان که فقط در این کتاب به این موضوع پرداخته‌اند، این نظریه را براساس دیدگاه جمعی از محققان امامیه (مانند شیخ صدوق، مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی، طبرسی، کاشف‌الغطا، سیدقاضی نورالله شوشتری و شیخ بهایی) استحکام بخشیده و سپس در جمع‌بندی این بخش می‌نویسد: «وبالجمله لامجال للارتباب فی المشهور بین علماء الشیعه الامامیه بل المتسالم علیه بینهم هو القول بعدم التحریف و إنما ذهب الیه منهم طائفة قليلة من الاخباریین... التي سیجیء الجواب عن الاستدلال بها».

آیت‌الله فاضل برهمین اساس چنین ادامه می‌دهد: «و مع ذلك فلا مساع لנסبة هذا القول إلى الطائفة المحققة و جعل ذلك من المطاعن فی الفرقة الناجية كما يظهر من بعض مفسري اهل السنة و غیرهم» (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۸، ص ۲۰۴).

آیت‌الله فاضل این نسبت را باطل و دروغ می‌نامد و برای آن که لغزش چنین نسبتی را اثبات کند، بخشی از دیدگاه آلوسی را به‌عنوان یکی از مفسران اهل سنت (که نسبتاً با تفصیل در این باره بحث کرده) گزارش کرده و آن را به نقد کشیده است. گزارش دیدگاه آلوسی در کلام آیت‌الله فاضل در چند بند بدین شرح است:

۱. نسبت تحریف قرآن به شیعه براساس روایاتی که آلوسی از کتاب کافی مرحوم کلینی و کتاب مثالب مرحوم ابن شهر آشوب نقل کرده است.

۲. نقل آلوسی از کلام سید مرتضی (از مقدمه تفسیر مجمع البیان طبرسی) که می‌گوید: «حشویه از عامه قائل به تحریف قرآنند» و سپس انکار آلوسی نسبت به دیدگاه ایشان و ادعای اجماع عامه از سوی وی بر عدم تحریف قرآن.

۳. نقل جمع‌بندی کلام آلوسی که نوشته است: «و الروایات [یعنی روایات التحریف فی مصادر اهل السنة] اکثر من تحصی الا انها محمولة علی ما ذکرناه [یعنی یحمل علی النسخ التلاوة] و این ذلك مما یقوله الشیعی الجسور [یعنی: الشریف المرتضی] { وَمَنْ لَمْ یَجْعَلِ اللهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ } (نور، آیه ۴۰) (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۸، ص ۲۰۶ - ۲۰۸).

آیت‌الله فاضل پس از نقل این گزارش در چند محور به ادعاها و پندارهای آلوسی پاسخ می‌دهد. ما در این پژوهش پاسخ‌های آیت‌الله فاضل را در هرکدام از این محورها نقل می‌کنیم و هر جا نیاز به تکمیل، شرح، پاسخ نقضی و... داشته باشد، ذکر خواهیم کرد تا قرآن‌پژوهان، دیدگاه ایشان را ژرف‌تر و

ارزیابی ادعای آلوسی در باب نسبت تحریف قرآن به شیعه از منظر آیت‌الله فاضل لنکرانی ۳

مشروح‌تر بنگرند و به گزاف‌گویی‌های آلوسی به صورت شفاف و روشن پی ببرند.

محور اول: پاسخ به ادعای آلوسی درباره نسبت تحریف قرآن به شیعه بر پایه روایات کتاب کافی کلینی و مثالب ابن شهر آشوب
آیت‌الله فاضل در این باره در دو مقام پاسخ داده‌اند:

مقام اول: شهرت قول به عدم تحریف قرآن بین علمای شیعه

ایشان در این مقام می‌نویسد: «إِنَّكَ عَرَفْتَ أَنَّ الْمَشْهُورَ عِنْدَ أَصْحَابِنَا الْإِمَامِيَّةِ بِلِ الْمَتَسَالِمِ عَلَيْهِ بَيْنَهُمْ هُوَ الْقَوْلُ بِعَدَمِ التَّحْرِيفِ بَلْ قَدْ عَرَفْتَ أَنَّ الصَّدُوقَ جَعَلَهُ مِنْ عَقَائِدِ الْإِمَامِيَّةِ وَأَدْعَى كَاشِفَ الْغَطَا فِيهِ الضَّرُورَةَ وَ الْبِدَاهَةَ وَمَعَهُ لَا وَجْهَ الْإِفْتِرَاءِ عَلَيْهِمْ وَ نَسَبَةَ هَذَا الْقَوْلِ السَّخِيفِ إِلَى الطَّائِفَةِ الْمُحَقِّقَةِ» (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۸، ص ۲۰۹).

آیت‌الله فاضل دیدگاه چند نفر از علمای امامیه را در این باره نقل کرده‌اند که عبارتند از:

شیخ صدوق، شیخ مفید، شریف مرتضی، شیخ طوسی، طبرسی، کاشف‌الغطا، قاضی نورالله شوشتری، شیخ بهائی، محقق بغدادی (کاظمی اعرجی) و شیخ علی بن عبدالعالی (محقق کرکی)، علامه شهشهرانی، مولی فیض کاشانی (فاضل لنکرانی، همان، ص ۲۰۰ - ۲۰۴).

آنچه ایشان در مقام اول آورده‌اند درست و واقع‌بینانه است، چون هرکس در منابع امامیه جست‌وجو کند به این واقعیت می‌رسد که مشهور بین علمای شیعه قول به عدم تحریف قرآن است. ابتدا باید به این نکته اشاره شود که افزون بر کتب الاعتقادات، اوائل المقالات و مقدمه تفسیر مجمع البیان که در نقل آیت‌الله فاضل آمده؛ در کتب معانی الاخبار (شیخ صدوق ۱۳۶۱ش، ص ۱۳۳)، مسائل السرویه، المسأله التاسعة (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۸۳ - ۸۴)، الذخیره فی علم الکلام (شریف مرتضی، ۱۴۱۱ق، ص ۳۶۱ - ۳۶۴) و جوامع الجامع (طبرسی، ۱۳۶۲ش، ص ۲۳۶) نیز قول این علما آمده است.

افزون بر آن با تتبع در آثار مفسران، محدثان، اصولیون، متکلمان و فقهای امامیه نیز به انبوهی از دانشمندان برمی‌خوریم که به سلامت قرآن از تحریف گواهی داده‌اند که اسامی حدود ۵۰ تن از آنان از قرن ۶ تا ۱۴ بدین شرح است:

ابوالفتوح رازی (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۱، ص ۳۱۱)؛ قطب‌الدین راوندی (قطب‌الدین

راوندی، ۱۴۰۹ق، ص ۱۰۰۴؛ ابن‌ادریس حلی (ابن‌ادریس حلی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۲۴۶)؛ ابن‌شهرآشوب (ابن‌شهرآشوب، ۱۳۲۸ش، ج ۲، ص ۷۷ و مثالب النواصب مخطوط: ورقه ۴۶۸)؛ عبدالجلیل قزوینی رازی؛ علی بن طائوس (علی بن طائوس، ۱۳۶۳ش، ص ۱۴۴ و فصل ۶۷، ص ۲۹۱ - ۲۹۳)؛ سدیدالدین رازی (سدیدالدین رازی، بی‌تا، ص ۴۷۷ - ۴۷۸)؛ ابوالمکارم حسنی (حسنی، ۱۹۸۱م، ج ۱، ص ۲۴۴ و ۲۵۸)؛ محمد بن حسن شیبانی (محمد بن حسن شیبانی، ۱۳۷۶ش، ج ۳، ص ۱۸۴)؛ علامه حلی (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۱۴۱؛ بی‌تا، ج ۱، ص ۴۶۵ به نقل از معرفت، محمدهادی، ۱۴۱۸ق، ص ۳۸)؛ مقداد سیوری (مقداد سیوری، ۱۳۴۰ق، ص ۲ - ۵)، شیخ بیاضی عاملی (شیخ بیاضی عاملی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۵)، کمال‌الدین کاشفی (کمال‌الدین کاشفی، ۱۳۱۷ش، ج ۲، ص ۳۲۶)؛ ملا فتح‌الله کاشانی (ملا فتح‌الله کاشانی، بی‌تا، ج ۵، ص ۱۵۴)؛ محقق اردبیلی (محقق اردبیلی، ۱۴۰۲ق، ج ۲، ص ۲۱۸)؛ محمد بن علی نقی شیبانی (شیبانی، ۱۳۷۶ش، ص ۲۶۲)؛ ابوالمحاسن جرجانی (جرجانی، ۱۳۷۷ش، ج ۵، ص ۱۲۸)؛ شیخ ابوفیض ناکوری (ناکوری، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۲۱۴)؛ میرداماد (میرداماد، حاشیه علی القیسات، به نقل از: رساله اثبات تواتر القرآن، ص ۴۰۶)؛ صدرالمتألهین (صدرالمتألهین، ۱۳۶۱ق، ص ۳۶۰ و بی‌تا، ج ۷، ص ۲۲ و ۵۲)، علوی عاملی (علوی عاملی، شرح القیسات، به نقل از النص الخالد لم ولن يحرف ابداً، ص ۱۰۱)؛ فاضل تونی (فاضل تونی، بی‌تا، ص ۱۴۸ و نسخه مخطوطه ورقه ۵۳)، فاضل هندی (فاضل هندی، ۱۴۳۰ق، ج ۴، ص ۱۶۲)؛ شریف لاهیجی (شریف لاهیجی، بی‌تا، ج ۲، ص ۶۵۸)؛ شیخ حر عاملی (شیخ حر عاملی، ۱۴۳۰ق، ج ۴)؛ محمد بن مرتضی کاشانی (محمد بن مرتضی کاشانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۶۵۰)؛ محمد بن محمد رضا قمی مشهدی (قمی مشهدی، ۱۴۱۱ق، ج ۷، ص ۱۰۴)؛ وحید بهبهانی (بهبهانی، بی‌تا، ص ۲۸۳)؛ سید محسن طباطبائی (طباطبائی، بی‌تا، ص ۳۶۲)؛ شیخ ابراهیم کلباسی (کلباسی، بی‌تا، ص ۲۶)؛ محمدصادق موسوی خوانساری (خوانساری، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۶۵)، سیدحسین کوه‌کمری (کوه‌کمری، بشری الوصول به نقل از میلانی، ۱۴۱۷ق، ص ۲۷)، شیخ محمد تنکابنی (تنکابنی، ۱۴۱۱ق، ص ۴ - ۵)، رحمة‌الله هندی دهلوی (هندی دهلوی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۸۷)، محقق تبریزی (محقق تبریزی، بی‌تا، ص ۹۱)؛ معرب تهرانی (معرب تهرانی، ۱۳۹۴ش)؛ سید محمدحسین شهرستانی (شهرستانی، ۱۳۹۵ق)؛ شیخ محمدحسن آشتیانی (آشتیانی، ۱۴۰۴ق، ص ۹۹)؛ شیخ میرزا محمدعلی چهاردهی؛ شیخ عبدالله المامقانی (مامقانی، ۱۴۳۰ق، ج ۱، القسم الثاني، ص ۴۲۶، فی ترجمه ربیع بن خثیم)؛ سید محمدجواد حسینی عاملی (حسینی عاملی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۹۰)؛ میرزا علی بن عبدالحسین ایروانی (بشری المحققین، مخطوط به نقل از البرهان علی عدم تحریف القرآن، ص ۱۲۵)؛

ارزیابی ادعای آلوسی در باب نسبت تحریف قرآن به شیعه از منظر آیت الله فاضل لنکرانی ۵

شیخ عبدالکریم حائری یزدی (حائری یزدی، بی تا، ج ۱، ص ۳۶۶)؛ شیخ محمدحسین کاشف الغطاء (کاشف الغطاء، ۱۴۰۵ق، ص ۱۳۳)؛ سید محسن امین (امین، ۱۴۰۲ق، ج ۱، ص ۴۱)، شیخ محمد نهاوندی (نهاوندی، بی تا، ج ۱، ص ۴۰)؛ میرجعفر علوی حسینی (علوی حسینی، ۱۳۷۹ق، ج ۴، ص ۸۰)؛ سید شرف الدین عاملی (عاملی، بی تا، ص ۱۶۲، بی تا، ص ۲۸)، عبدالحسین امینی (امینی، ۱۳۶۶ش، ج ۳، ص ۱۰۱). این فهرست تا قرن ۱۴ است.

در قرن ۱۵ بررسی ها درباره تحریف ناپذیری قرآن ژرف تر و گسترده تر شد. از جمله می توان از علامه محمدحسین طباطبائی (طباطبائی، ۱۳۹۱ق، ج ۱۲، ص ۱۰۴ - ۱۳۳)، امام روح الله خمینی (امام خمینی، بی تا، ج ۲، ص ۱۶۵؛ بی تا، ص ۲۴۲ - ۲۴۷)، آیت الله ابوالقاسم خوئی (خوئی، ۱۳۶۰ش، ص ۱۹۷ به بعد) یاد کرد. لازم به ذکر است برخی دانشمندانی که اسامی آنان را آوردیم درباره موضوع تحریف ناپذیری قرآن، اثر مستقل به صورت رساله یا کتاب نگاشته اند؛ مانند رساله فی اثبات تواتر القرآن از شیخ محمد بن حسن حر عاملی، کتاب کشف الارتباب عن تحریف کتاب رب الارباب نگاشته مرحوم شیخ محمود بن ابی القاسم طهرانی معروف به معرّب طهرانی و کتاب الحجة علی فصل الخطاب اثر مرحوم عبدالرحمان محمدی هیدجی صیانة القرآن من التحریف از استاد محمدهادی معرفت، حقائق هامة حول القرآن الکریم سیدجعفر مرتضی عاملی، التحقیق فی نفی التحریف سید علی میلانی، تدوین القرآن شیخ علی کورانی نزهت قرآن از تحریف آیت الله جوادی آملی و سلامة القرآن من التحریف و تفنید الافتراءات از راقم این سطور اشاره کرد.

براین اساس ضروری است به نظریه «تواتر قرآن» که براساس همین شواهد تاریخی و اهتمام مسلمین شکل گرفته اشاره کنیم. برخی دانشمندان امامیه آن را دلیلی متقن بر تحریف ناپذیری قرآن قلمداد کرده اند و براساس آن روایات تحریف نما را از اعتبار ساقط می دانند؛ مانند مرحوم معرّب طهرانی که نخستین ردیه را در عصر محدث نوری بر کتاب فصل الخطاب نوشته است. وی می گوید: «چون انگیزه برای نقل قرآن از جانب باورمندان و منکران قرآن فراوان بوده است، این امر موجب تواتر همه الفاظ قرآن خواهد بود... افزون بر آن اعتنای شدید پیامبر اکرم؟ صل؟ و مسلمین نسبت به قرآن آن را در رتبه تواتر قرار می دهد و تصور عدم تواتر را از اذهان فرو می ریزد». (معرّب طهرانی، ۱۳۹۴ش، المقالة الثانية، المقام الاول) مرحوم معرّب در این باره نام چندین نفر از دانشمندان نامور شیعی را که قائل به تواتر قرآن هستند با متن عبارات آنان همراه با دلیلشان ذکر می کند.

مقام دوم: پاسخ به نقد آلوسی درباره روایات کتاب کافی کلینی و مثالب ابن شهر آشوب

آیت الله فاضل در این مقام می‌گوید: [بر فرض] برخی از محدثان شیعی مانند مرحوم کلینی و علی بن ابراهیم قمی قائل به تحریف باشند، نمی‌توان از آن نتیجه گرفت که پس همه شیعه یا مشهور آنان قائل به تحریف‌اند. افزون بر آن منشأ نسبت به تحریف به اینان به خاطر اخباری است که در کتاب‌هایشان آورده‌اند با آن‌که **اولاً**: نقل خبر دلالتی بر دیدگاه ناقل خبر ندارد، **ثانیاً**: باید مفاد خبر را بررسی کرد که آیا ظهوری در تحریف قرآن (به معنای متنازع‌فیه) دارد یا خیر. **ثالثاً**: آیا این خبر بدون معارض است **رابعاً**: آیا خبر (به‌ویژه خبر واحد) در این مسئله (حساس) حجیت دارد و می‌توان به آن ملتزم شد. افزون بر آن، اثبات همه این مراحل نزد ناقل خبر، آشکار نیست تا بتوان به وی نسبت تحریف داد (فاضل لنکرانی، همان، ص ۲۰۹).

دیدگاه مرحوم آیت الله فاضل در مقام دوم بحث نیز درباره محدثان شیعی مانند ابوجعفر کلینی صحیح و واقع‌بینانه است. توضیح آن‌که: کتاب کافی مرحوم کلینی به لحاظ وثاقت سند (که با سند قطعی به دست ما رسیده) و گواهی ضمنی ثقة‌الاسلام کلینی بر پذیرش محتوای روایاتی که در این کتاب آورده (کلینی، ۱۳۶۳ ش، ج ۱، ص ۸) و نیز عناوین کتاب‌ها و باب‌های آن‌که از دیدگاه وی پرده برمی‌دارد، نقطه عطفی در مدارک و اسناد کهن شیعی در زمینه مورد بحث به‌شمار می‌آید.

افرادی ابوجعفر کلینی را با استناد به برخی عناوین باب‌های کتاب کافی و پاره‌ای از احادیث در این کتاب در زمره قائلین به تحریف قلمداد کرده‌اند (نوری، ۱۲۹۸ ق، ص ۲۵ - ۲۶؛ قفاری، ناصر، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۲۲۷ - ۲۲۸؛ مال‌الله، محمد، ۱۴۰۹ ق، ص ۳۱؛ الهی‌ظہیر، احسان، ۱۴۰۳ ق، ص ۳۴)؛ لیکن این ادعا قابل اثبات نیست، چون **اولاً**: شیوه کلینی در کافی بر نقد و ردّ روایات نیست؛ **ثانیاً**: همان‌گونه که آیت الله فاضل گفتند، هرگز ذکر روایات در کتاب حدیثی، بیان‌گر اعتقاد مؤلف آن به تک‌تک مضامین آن روایات نیست؛ هرچند مؤلف ملتزم به نقل احادیث معتبره باشد، چون اعتبار سند حدیث، علت تامه برای اعتبار متن آن نیست؛ به‌ویژه اگر آن متن (و به‌طور خاص در خود آن کتاب) با متنی دیگر معارض باشد؛ بنابراین بر فرض، روایاتی در کافی بر تحریف به معنای مورد نزاع دلالت داشته باشند، این روایات با احادیثی دیگر (از جمله احادیث کتاب فضل القرآن (کلینی، ۱۳۶۳ ش، ج ۲، ص ۵۹۶ - ۶۲۷) در کتاب کافی) در تعارضند؛ تعداد این روایات بیشتر و با متنی قوی‌تر و در تحت عناوین روشن درباره اوصاف و آثار قرآن قرار دارند. این دو دسته از احادیث بر پایه قاعده عرض اخبار بر قرآن که کلینی نیز در مقدمه کتابش آورده و به آن ملتزم شده است (کلینی، همان، ج ۱، ص ۸)،

باید به قرآن عرضه شود و آن دسته که با قرآن موافق است، اخذ گردد. از این رو از نظر کلینی؟ ره؟ روایاتی که دلالت بر تحریف قرآن دارند در صورت عدم تأویل درست، در تعارض با احادیث دیگر از اعتبار ساقطند، چون با قرآن در تعارضند. **ثالثاً:** در هیچ‌یک از عناوین ابواب کتاب کافی (که حکایت از دیدگاه کلینی دارد)، بابتی تحت عنوان «تحریف قرآن» یا چیزی نزدیک به آن نمی‌یابیم. آنان که خواسته‌اند از عناوین باب‌ها چنین استفاده‌ای کنند، تنها به‌عنوان این باب: «إِنَّهُ لَمْ يَجْمَعْ الْقُرْآنَ كَلَّةَ إِلَّا الْاِثْمَةَ وَإِنَّهُمْ يَعْلَمُونَ عِلْمَهُ كَلَّةً؛ هیچ‌کسی جز ائمه قرآن را گرد نیاورده و آنان تمام دانش قرآن را می‌دانند» (کلینی، همان، ج ۱، ص ۲۲۸) تمسک کرده‌اند. لیکن این عنوان ربطی به مسئله تحریف به معنای مورد نزاع ندارد. شاهد آن هم شش حدیثی است که ذیل این باب آمده است؛ حدیث یک و دو به صورت مجمل و چهار حدیث بعدی در حکم شرح و تفصیل آن دو روایتند؛ عنوان باب نیز از این اجمال و تفصیل خبر می‌دهد. مجموع احادیث این باب در صدد بیان این نکته‌اند که تنزیل و تأویل، علوم ظاهری و باطنی و تمام دانش‌های قرآن نزد ائمه طاهرین است و کسی همانند آنان نیست (طباطبائی، ۱۳۶۳ ش، ج ۱، ص ۲۲۸). گواه آن هم این است که در این عنوان جمع قرآن را به تمام ائمه نسبت داده است و تمام ائمه در عصر نزول قرآن نبودند تا الفاظ و تعابیر قرآن را گرد آورند. شاید از همین روست که استوانه‌های شیعه همچون شیخ صدوق، علم‌الهدی سید مرتضی، شیخ الطائفه ابوجعفر طوسی با آن‌که کتاب کافی نزد آنان بوده است (صدوق، ۱۳۹۰ ق، ج ۴، ص ۵۱ و ۱۶۵؛ علم‌الهدی، ۱۴۰۵ ق، ج ۱، ص ۴۰۹؛ طوسی، ۱۴۰۳ ق، ص ۱۶۱). از روایات کافی و نیز عناوین ابواب آن، تحریف قرآن را استنتاج نکرده‌اند. **رابعاً:** احادیثی که کلینی در باب «فیه نکت و تنفی من التنزیل فی الولاية» آورده و تعدادی از آن‌ها مورد استناد محدث نوری و برخی سلفیان در تحریف است (نوری، ۱۲۹۸ ق، ص ۲۹؛ قفاری، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۲۲۸ و ۳۵۳؛ مال‌الله، ۱۴۰۹ ق، ص ۶۲ - ۶۳)، با ضعف سند و عدم تمامیت دلالت مواجه است. چون علامه مجلسی از این مجموعه که حدود ۹۰ روایت است فقط ۸ حدیث را صحیح می‌شناسد (مجلسی، ۱۳۶۳ ش، ج ۵، ص ۲ - ۱۶۰) (ارقام آن‌ها عبارتند از: ۱۷، ۷۲، ۷۴، ۷۶، ۷۸، ۸۰ و ۸۳) متن این ارقام از احادیث با مسئله تحریف به معنای مورد نزاع بیگانه‌اند. شاید از این‌که مرحوم کلینی در عنوان باب واژه «تنزیل» را به کار برده، اشاره به این دارد که مفاد این روایات (بر فرض صدور) به مطلق وحی (نه تنها وحی قرآنی) دلالت دارد و از تحریف قرآن بیگانه است.

آلوسی در این میان به‌طور مشخص چند روایت از کافی کلینی نقل کرده تا ادعای خود را درباره

تحریف‌گرایی شیعه اثبات کند؛ از جمله حدیثی که با سند صحیح (و بنا به یک احتمال با سند موثق) (مجلسی، همان، ج ۱۲، ص ۵۲۵) در کافی آمده و می‌گوید: «قرآنی که جبرئیل برای محمد صلوات‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آورد، هفده هزار آیه دارد.» (کلینی، ۱۳۶۳ ش، ج ۲، ص ۶۳۴، رقم ۲۸). برای درک صحیح این حدیث باید چند نکته را در نظر گرفت:

اولاً: به نظر می‌رسد ساختار این حدیث بدین شکل، حکایت از تقطیع در متن آن دارد. چگونه ممکن است امام معصوم بدون هیچ مقدمه‌ای بفرماید: «قرآنی که جبرئیل برای محمد صلوات‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آورد، هفده هزار آیه دارد»؟! لابد پرسشی یا بحثی در این میان بوده که منجر به چنین سخنی شده است؛ بنابراین اگر بخش‌های دیگر روایت می‌بود، تلقی از آن به‌گونه دیگر می‌شد. **ثانیاً:** در برخی از نسخه‌های معتبر کتاب کافی این حدیث با عدد هفت‌هزار ثبت شده که عددی تقریبی است و با تعداد آیات قرآن انطباق دارد (فیض کاشانی، بی تا، ج ۲، ص ۲۷۴) پس اختلاف نسخه در نقل این حدیث مطرح است. **ثالثاً:** مقدار زاید بر آیات موجود قرآن، بر پایه قراین و شواهد حمل بر حدیث قدسی و با وحی تفسیری می‌شود (صدوق، ۱۴۱۳ ق، ص ۸۴)، چون گاهی واژه «قرآن» به معنای مطلق «ما یقرأ» است؛ همان‌گونه که برخی بزرگان درباره آیه { **وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَىٰ إِلَيْكَ وَحْيُهُ** } (طه، آیه ۱۱۴) باور دارند (مفید، ۱۳۷۱ ش، ص ۸۱) و دیگران هم احتمال داده‌اند (بیضاوی، بی تا، ج ۶، ص ۵۹) افزون بر آن اگر مقدار زاید وحی قرآنی بود، به دلیل ادله سلامت قرآن از تحریف از قرآن جدا نبود. **رابعاً:** امکان دارد آیات قرآن با قطعه‌های کوچک‌تری شمارش شوند تا به این عدد برسند (فیض کاشانی، بی تا، ج ۲، ص ۲۷۴). حتی اگر این پاسخ‌ها را کافی ندانیم، باز هم نمی‌توانیم به مفاد این حدیث ملتزم شویم، چون هرگز در منابع شیعی _ به تعداد انگشتان یک دست _ احادیثی دیده نشده که از حذف (یا افزایش) یک آیه کامل یا آیاتی از قرآن خبر دهد تا مصداقی از حدود یازده هزار آیه‌ای باشد که طبق این حدیث از قرآن ساقط شده است. با آن‌که انگیزه فراوان برای نقل این آیات از دوست و دشمن قطعی است، دوستان قرآن برای حفظ کتاب خدا و دشمنان قرآن برای تضعیف و توهین به کتاب خدا داعی داشته‌اند.

لازم است در پایان این بحث به این نکته اشاره کنیم که متأسفانه آلوسی متعرض علاج محققان شیعه درباره این روایت و روایات مشابه آن نمی‌شود، ولی چون به شبیه به این روایت در مدارک سنی برخورد می‌کند (که خواهید دید) آن را با «نسخ التلاوة» علاج می‌کند.

ادعای دیگر آلوسی در این زمینه که آیت‌الله فاضل نیز آن را نقل کرده‌اند درباره ابن شهر آشوب مازندرانی و کتاب المثالب اوست. وی می‌نویسد: «وذكر ابن شهر آشوب المازندراني في كتاب المثالب له:

آنّ سورة الولاية اسقطت بتمامها». این ادعا از آلوسی خطایی محض است و معلوم نیست مدرک او در این باره چیست. محدث نوری که در تتبع کم نظیر است، در این باره می گوید: «من هیچ اثری از این سوره در کتاب های شیعه نیافتم، جز بنا به آنچه از محمد بن شهر آشوب مازندرانی در کتاب المثالب نقل می کنند که مخالفان، سوره ولایت را از قرآن برانداختند و شاید منظور وی همین سوره باشد». بخش اول این کلام درست است (که می گوید: هیچ اثری از این سوره در کتاب های شیعه نیافتم)، ولی بخش دوم آن، یعنی نسبتی که به ابن شهر آشوب داده اند، کاملاً بی اساس و بدون مطالعه است، چون در کتاب المثالب _ با وجود بررسی بسیار _ هیچ اثری از برانداختن سوره ولایت نیست. افزون بر آن، ابن شهر آشوب به طور روشن دیدگاهش را درباره سلامت قرآن از تحریف بیان کرده و هم سان با دیدگاه سید مرتضی (م/ ۴۳۸ق) بر این باور است که قرآن در عصر حضرت رسول؟ صل؟ به همین صورت کنونی جمع و بین دو جلد تدوین شده است. (ابن شهر آشوب، ۱۳۲۸ ش، نسخه کتابخانه سپهسار ورقه ۴۷۱ و نسخه لکنهو، ورقه ۴۶۸ و نیز ۱۳۲۸ ش، ج ۲، ص ۷۷) در واقع آلوسی به ابن شهر آشوب این اتهام را زده و محدث نوری نیز که از تفسیر او در تدوین فصل الخطاب استفاده کرده، به قول وی استناد کرده است. (نوری، ۱۲۹۸ق، ص ۱۶۲)

محور دوم: نقد ادعای وی در باب اجماع اهل سنت بر عدم تحریف قرآن

آیت الله فاضل در نقد محور دوم از کلام آلوسی که ادعا می کرد اهل سنت بر عدم تحریف قرآن اجماع دارند، به دو صورت پاسخ داده است:

اولاً: برای بطلان این ادعا همین بس که نظریه نسخ التلاوة که آلوسی به عنوان علاج روایات تحریف آورده، عین قول به تحریف است (توضیح آن در ادامه می آید). پس نمی توان گفت «جمهور علمای سنی قائل به عدم تحریف اند»؛ **ثانیاً:** اگر بخواهیم بر شیوه آلوسی مشی کنیم، باید از یک سو همه اهل سنت را قائل به تحریف بدانیم، زیرا وی به دلیل ذکر اخبار تحریف نما در برخی کتب روایی شیعه، همه آنان را قائل به تحریف می داند و چنین می نویسد: «و زعمت الشيعة أنّ عثمان بل ابابكر و عمر ايضاً حرفوا، و أسقطوا كثيراً من آياته و سُوره، فقد روي الكليني...» و از سوی دیگر مؤلفان کتب روایی سنی را نیز _ که ناقل این روایات هستند _ در زمره تحریف گرایان محسوب کنیم.

از جمله منابع کهن روایی اهل سنت که از چالش در تحریف ناپذیری قرآن حکایت می کند، موطاء مالک بن انس (م/ ۱۷۹ق) است که با سند خود از عایشه نقل می کند: «آیه... خمس رضعات معلومات یحرمن... از جمله آیات بود. پیامبر خدا؟ صل؟ از دنیا رفتند، در حالی که این آیه از قرآن، قرائت می شد»

(ابن انس، بی تا، ص ۶۰۸، رقم ۱۷). حاکم در مستدرک نیز از مالک بن انس چنین نقل می کند: «چون اوایل سوره براءت ساقط شد، در پی آن بسم الله هم افتاد، و این ثابت است که حجم سوره براءت به اندازه سوره بقره بوده است» (به نقل از سیوطی، بی تا، ج ۱، ص ۶۵، نوع ۱۹).

پس از آن در منابع حدیثی اهل سنت از صحاح، مسانید، سنن و... که در قرن سوم تدوین شده اند کم و بیش احادیثی به چشم می خورد که در ظاهر بر تحریف قرآن دلالت دارند؛ از جمله: «المصنّف» (صنعانی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۹۱، رقم ۲۶۱۵)؛ «فضائل القرآن» (وی این روایات را تحت عنوان دو باب: «باب الروایة من الحروف التي خولف بها الخط القرآن» (ابن سلام، ۱۴۱۱ق، ص ۲۸۹ - ۳۲۰) و باب «ما رفع من القرآن بعد نزوله ولم یثبت فی المصاحف» (ابن سلام، همان، ص ۳۲۰ و ۳۲۶) آورده و در پی آن می گوید: «این موارد و مانند آن ها زیادند». (ابن سلام، همان، ص ۳۲۶) «المصنّف» (ابنابی شیبیه، ۱۴۱۱ق، ج ۷، ص ۴۳۲، رقم ۳۷۰۳۲)؛ «مسند احمد بن حنبل» (ابن حنبل، ۱۴۱۹ق، ج ۶، ص ۹۵؛ ج ۵، ص ۱۳۳) و به نقل از سیوطی، بی تا، ج ۸، ص ۸۳)؛ «صحیح محمد بن اسماعیل بخاری» (بخاری، بی تا، ج ۸، باب رجم الحبلی، ص ۲۰۸ - ۲۱۱) و تاریخ وی با نام تاریخ الکبیر (به نقل از سیوطی، بی تا، ج ۵، ص ۱۸۰)؛ «صحیح مسلم بن حجاج» (ابن حجاج، بی تا، ج ۲، ص ۷۲۶؛ ج ۴، ص ۱۶۷؛ ج ۵، ص ۱۱۶)؛ «تاریخ المدینة المنورة» (ابن شیه، ۱۴۱۰ق، ص ۲۸۸، ۷۰۷، ۷۱۲)؛ «کتاب المصاحف» (ابن ابی داود، ۱۳۹۶م، ص ۴۹ و ۵۰)؛ «الجامع الصحیح» یا سنن الترمذی (ترمذی، بی تا، ج ۵، ص ۶۶۵ رقم ۳۷۹۳)؛ «فضائل القرآن» (ابن ضریس، ۱۴۰۸ق، ص ۳۹، رقم ۲۸ و ص ۱۵۸) نیز، در زمره منابع حدیثی اند که از این نوع اخبار نقل کرده اند. پس از قرن سوم نیز از این منابع نیز می توان یاد کرد: «السنن الکبری» (نسائی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۸۲ و ۳۰۸)؛ «جامع البیان فی تأویل آی القرآن» محمد بن جریر طبری و معاجم سه گانه «المعجم الکبیر، المعجم الاوسط و المعجم الصغیر» از سلیمان بن احمد طبرانی (به نقل از سیوطی، بی تا، ج ۱، ص ۷۲؛ متقی هندی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۴۶۰ و ۴۸۱) و «المستدرک علی الصحیحین» (حاکم نیشابوری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۱۵ و ۵۳۱). به نظر می رسد منابع متأخرتر از همین کتاب ها ریشه گرفته اند و منابعی مستقل در این زمینه به شمار نمی آیند.

افزون بر آن، پندار افرادی چون ابن شنبوذ بغدادی و شعرانی نیز چالشی در این بستر است. ابن شنبوذ (م/ ۳۲۸ق) که مُقری بغداد بوده و نزد اهل سنت در فهرست قاریان چهارده گانه به شمار می آید (دمیاطی، ۱۴۱۰ق)، قرآن را بر شواذ قرانات می خوانده و بر این پندار بوده است: «عثمان نتوانست تمام قرآن را جمع آوری کند، پانصد حرف از قرآن موجود ساقط شده و صحابه نیز به قرآن چیزهایی را افزوده اند» (به نقل از قرطبی، ۱۳۸۷ش، ج ۱، ص ۸۰ - ۸۱؛ بغدادی، بی تا، ج ۱، ص ۲۸۰ رقم ۱۲۲ و

مقدسی، ۱۳۹۵ق، ص ۱۸۷). شعرانی (م/ ۹۷۳ق) نیز در قرن دهم چنین ادعایی دارد: «اگر در دل‌های ناتوان شک و تردید به وجود نمی‌آمد و حکمت در جای خود قرار نمی‌گرفت، تمام آنچه را که از مصحف عثمان ساقط شده، بیان می‌کردم» (شعرانی، بی تا، ج ۱، ص ۱۴۳). در عصر حاضر نیز محمد الخطیب با کتاب «الفرقان» خود، به این پندار دامن زده است.

محور سوم: ارزیابی و نقد نظریه نسخ التلاوة و اثبات همسانی آن با قول به تحریف

آیت الله فاضل در محور سوم ابتدا دیدگاه آلوسی را نقل کرده که می‌گوید: «و الروایات [یعنی الروایات التي ذكر في كتب اهل السنة] اكثر من أن تحصي إلا أنها محمولة علي ما ذكرناه [یعنی: الحمل علي نسخ التلاوة] و این ذلك مما يقوله الشيعي الجسور [یعنی: الشريف المرتضي] { وَمَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ } (نور، آیه ۴۰) ایشان در نقد این محور از دیدگاه وی، ابتدا برخی دیگر از روایات سنی را (افزون بر آنچه آلوسی نقل کرده) در این زمینه بیان می‌کند تا نشان دهد متن این روایات با صراحتی که دارد، به گونه‌ای است که نمی‌توان آن‌ها را _ طبق دیدگاه آلوسی _ بر نسخ التلاوة، حمل کرد و سپس نظریه نسخ التلاوة را نقد می‌کند؛ مانند روایات این افراد:

۱. روایت المسور بن مخرمه: «قال عمر لعبدالرحمن بن عوف: ألم تجد فيما انزل علينا: «ان جاهدوا كما جاهدتم أول مرة؟» فَإِنَّا لآنجدها! قال: أسقطت فيما أسقط من القرآن».

۲. روایت عروة بن الزبير از عایشه: «كانت سورة الاحزاب تُقرأ في زمن النبي ماتني اية فلما كتب عثمان المصاحف لم يقدر منها الا ما هو الان» و نمونه‌های دیگری که آیت الله فاضل از مدارک سنی نقل کرده تا به خوبی نشان دهد نظریه نسخ التلاوة (افزون بر ضعف‌ها و کاستی‌های دیگر) نمی‌تواند این نوع روایات را علاج کند.

البته افزون بر این روایات _ که آیت الله فاضل آورده‌اند _ احادیث دیگری هم هست که بر خلاف ادعای آلوسی، نمی‌توان آن‌ها را با نسخ التلاوة علاج کرد. از آن جمله عباراتی است که به عمر، ابن سلام، ابوموسی اشعری، حذیفه و... اسناد داده شده است:

۳. عمر بن الخطاب: «قرآن یک میلیون و بیست و هفت هزار حرف دارد» (سیوطی، بی تا، ج ۱، ص ۷۲؛ ۱۴۰۳ق، ج ۶، ص ۴۲۲؛ متقی هندی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۴۶۰ و ص ۴۸۱) یعنی: باید بیش از دو ثلث قرآن را از دست رفته باشد، چون عدد حروف قرآن بالغ بر ۳۴۰۷۴۰ (نزدیک به سیصد و پنجاه هزار حرف) است. (زرکشی، بی تا، ج ۱، ص ۲۴۹)

۴. عبدالله بن عمر: «هیچ کس از شما نمی‌تواند ادعا کند تمام قرآن نزد اوست... بیشتر قرآن از

دست رفته است...» (ابن سلام، ۱۴۱۱ق، ص ۱۹۰؛ سیوطی، بی تا، ج ۳، ص ۷۲).

۵. ابوموسی اشعری: «ما [در عصر پیامبر خدا؟صل] سوره‌ای را می‌خواندیم و حجم آیات و شدت خطاب‌های آن را به سوره برائت تشبیه می‌کردیم. هم‌اکنون جز این فراز از این سوره را فراموش کرده‌ام: «لو کان لابن آدم وادیان من مال لا بتغی وادياً ثانياً ولا یملأ جوف ابن آدم إلا التراب». سوره دیگری نیز که به یکی از سوره‌های مسبحات تشبیه می‌کردیم، قرائت می‌شد که هم‌اکنون جز این فراز از آن را فراموش کرده‌ام: «یا ایها الذین آمنوا لم تقولون ما لا تفعلون فتکتب شهادة فی أعناقکم فتسألون عنها یوم القیامة» (ابن حججاج، بی تا، کتاب الزکاة، ص ۷۲۶، رقم ۱۱۹؛ ابن سلام، ۱۴۱۱ق، ص ۱۹۲) آلوسی فقط بخشی از روایت ابوموسی اشعری را ذکر کرده و آیت‌الله فاضل نیز به نقل از وی آن را آورده‌اند. (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۸ق، ص ۲۰۸) احمد بن حنبل نیز از ابی‌واقد لیثی همین مضمون را بیان کرده است (ابن حنبل، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۲۱۹؛ نیشابوری، ج ۲، ص ۵۳۱).

۶. حذیفه بن یمان: «سوره‌ای که سوره توبه می‌نامید... جز (یک‌چهارم) از آن مقدار که ما می‌خواندیم، نمی‌خوانید» (سیوطی، همان، ج ۴، ص ۱۲۰؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۳۱). در حدیثی دیگر می‌گوید: «شما تنها ثلث این سوره را قرائت می‌کنید» (همان، بی تا، ج ۴، ص ۱۲۱)؛ همچنان‌که مالک بن انس درباره آن می‌گوید: «این سوره به اندازه سوره بقره بوده و با اسقاط آیات اول آن، آیه بسم الله الرحمن الرحیم از آن ساقط شد» (همان، بی تا، ج ۱، ص ۶۷) این پندار درباره سوره احزاب نیز گفته شده است. (همان، بی تا، ج ۵، ص ۱۸۰؛ ابن سلام، ۱۴۱۱ق، ص ۱۹۰ و ۱۹۱؛ راغب، بی تا، ج ۲، ص ۴۳۲؛ ابن حنبل، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۱۳۲؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۱۵).

۷. ابی بن کعب: «در ضمن سوره بیته چنین خوانده می‌شد: «إِنَّ ذَاتَ الدِّینِ عِنْدَ اللَّهِ الْحَنِيفِيَّةُ الْمَسْلُومَةُ، لَا الْيَهُودِيَّةَ وَلَا النَّصْرَانِيَّةَ وَلَا الْمَجُوسِيَّةَ مِنْ يِعْمَلُ خَيْرًا فَلَنْ يَكْفُرَهُ» و نیز «لو أن لابن آدم وادياً من مال لا بتغی إليه ثانياً لا بتغی له ثالثاً ولا یملأ جوف ابن آدم إلا التراب ویتوب الله علیه من تاب». (ابن حنبل، همان، ج ۵، ص ۱۳۱ و ۱۳۳؛ حاکم نیشابوری، همان، ج ۲، ص ۵۳۱؛ ابن سلام، ۱۴۱۱ق، ص ۱۹۲؛ هیشمی، ۱۴۰۲ق، ج ۷، ص ۱۴۰) ترمذی این حدیث را به‌عنوان «حسن صحیح» می‌شناسد. (ترمذی، بی تا، ج ۵، ص ۶۶۶)

۸. عایشه: «از جمله آیات قرآن: «عشر رضعات معلومات یحرمن» بود که با آیه «خمس رضعات معلومات» نسخ شد، پیامبر خدا؟صل؟ از دنیا رفتند، درحالی‌که این آیات از قرآن، قرائت می‌شد»

ارزیابی ادعای آلوسی در باب نسبت تحریف قرآن به شیعه از منظر آیت الله فاضل لنکرانی ۱۳

(ابن انس، بی تا، کتاب الرضاع، ص ۶۰۸، رقم ۱۷؛ ابن حجاج، بی تا، ج ۸، ص ۱۶۷؛ نسائی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۸۲). ابویعلی موصلی به نقل از عایشه می افزاید: «چون پیامبر خدا؟ صل؟ از دنیا رفتند مشغول کفن و دفن حضرت بودیم؛ حیوانی درون خانه شد و آن را خورد!» (موصلی، ج ۸، ص ۶۴، رقم ۲۳۱ و ۲۳۲؛ ر.ک: گلدزیهر، ۱۳۷۴ق، ص ۳۰۰).

۹. عمر بن الخطاب: «از جمله مواردی که از قرآن قرائت می کردیم این آیه بود: «ولا ترغبوا عن آبائکم فانه کفر بکم إن ترغبوا عن آبائکم» و نیز گفته است: «پیامبر؟ صل؟ زانی [محصنه] را سنگسار می کرد و ما نیز با ایشان چنین می کردیم به خدایی که جان محمد؟ صل؟ در دست اوست، این آیه را حفظ کردم و آموختم و درک کردم و اگر گفته نمی شد، عمر در مصحف چیزی افزوده که از آن نیست، با دست خود آن را می نوشتم...» (بخاری، بی تا، ج ۸، ص ۲۰۸ - ۲۱۱؛ ابن حجاج، بی تا، ج ۴، ص ۱۶۷ و ج ۵، ص ۱۱۶؛ ابن ابی شیبۀ، ۱۴۱۶ق، ج ۷، ص ۴۳۱، رقم ۳۷۰۳؛ درباره آرای خاورشناسان درباره این آیات ر.ک: بُرْتُن، ص ۳۹ - ۵۷؛ بل، ۸۹ - ۹۱).

در میان برخی از این احادیث نیز سخن از حذف و تبدیل کلمات و عبارات در برخی از آیات به چشم می خورد؛ مانند نقل بخاری از قرائت ابن عباس در آیه ۵۲ سوره حج: **رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ** { وَلَا مَحْدَثٍ _ { إِلَّا إِذَا تَمَنَّى... } (عسقلانی، بی تا، ج ۷، ص ۵۱).

این روایات در منابع اهل سنت متعددند، به گونه ای که قاسم بن سلام ۱۲۴ مورد از آن ها را در باب الزوائد من الحروف التي خولف بها الخط في القرآن گرد آورده و می گوید: «شبهه به این ها زیاد است» (ابن سلام، ۱۴۱۱ق، ص ۱۸۹). سیوطی نیز پس از ذکر آیه مزعومه رجم و مانند آن می گوید: «همانند این نمونه ها زیاد است» (سیوطی، بی تا، ج ۱، ص ۸۸). آلوسی می گوید: «آن ها بیش از آن است که بتوان شمرد» (آلوسی، ۱۴۱ق، ج ۱، ص ۴۶).

اهل سنت درباره صحت و سقم اسانید این احادیث اختلاف نظر دارند، (عاصمی، المبانی به نقل از جفری، ۱۹۵۴م، ص ۹۲؛ ابن حزم، بی تا، ج ۱۰، ص ۱۴ - ۱۶ و، ج ۱۱، ص ۲۳؛ نحّاس، ۱۴۰۹ق، ص ۱۲؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۵۱۸)، لیکن به اتفاق، محتوای این احادیث را دالّ بر تحریف در الفاظ قرآن ندانسته، با توجه به قرائن و شواهد آن ها را فراخور مضامینشان علاج کرده اند. پاره ای از این راهکارها بدین شرح است:

۱. این روایات از جنس تفسیر و معانی قرآن است (ابن سلام، ۱۴۱۱ق، ص ۱۹۵؛ زرکشی، بی تا، ج ۱، ص ۲۱۵؛ عاصمی، المبانی به نقل از جفری، همان، ص ۸۳).

۲. از سنت به شمار می‌آید؛ مانند نحاس که درباره حدیث رجم می‌گوید: «... آن سنتی ثابت است» (نحاس، ۱۴۰۹ق، ص ۸؛ عاصمی، المبانی به نقل از جفری، همان، ص ۸۵). شماری دیگر مانند زبیدی (به نقل از جفری، همان، ص ۸۷-۸۸) و مسلم (ابن حجاج، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۰۰؛ ابونعیم، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۳۱۶) نیز درباره آیه مزعومه «لو کان لابن آدم...» همین دیدگاه را دارند.

۳. در زمره وحی غیرقرآنی (حدیث قدسی) است. همچون ابن قتیبه و دیگران (ابن قتیبه، ص ۲۹۲؛ عاصمی، بی‌تا، مخطوط، ورقه ۶۲ و مطبوع از جفری، همان، ص ۸۵، ۸۶).

۴. این احادیث جعل یا خطای راوی است؛ مثلاً ابن انباری حدیث «لو أنّ لابن آدم وادياً...» از سوره بینه را باطل شمرده، می‌گوید: «ابن کثیر و ابی عمرو با سندهای متصل از ابی بن کعب (که قرائت این آیه را به او نسبت می‌دهند) سوره بینه را نقل کرده‌اند؛ بدون آن که در آن آیه مزعومه باشد» (به نقل از جفری، همان، ص ۸۵). نیز مانند آلوسی که برخلاف لحن تند خود در مواجهه با شیعه - که همه آنان را به دلیل روایت درباره سوره احزاب به تحریف قرآن متهم کرده (آلوسی، همان، ج ۱، ص ۳۳) و از تأویل (یا علاج) علمای امامیه چشم می‌پوشد - در خصوص حدیث عایشه درباره این سوره و نیز تمام احادیثی که بدین‌گونه‌اند، می‌گوید: «این حدیث که حکایت از تباه‌شدن بخشی از آیات سوره احزاب دارد، حدیثی ساختگی است و حق این است هر خبری که درباره از دست رفتن آیات قرآن است یا ساختگی است، یا باید [به صورت درست] تأویل شود» (آلوسی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، ص ۲۱۷). رافعی نیز در یک قاعده کلی می‌گوید: «چنین نیست که هر چه صحابه گفته‌اند صحیح باشد؛ آنان غیر معصومند... گاهی در فهم شنیده‌ها خطا می‌کنند» (به نقل از نجارزادگان، فتح‌الله، ۱۳۸۴ش، ص ۱۵۳).

۵. آیاتی (در تحریف به نقیصه) مذکور در این احادیث، منسوخ التلاوة هستند؛ یعنی مشمول قاعده «نسخ التلاوة» قرار می‌گیرند. به نظر می‌رسد نخستین کسی که این قاعده را مطرح کرده، «قاسم بن سلام» (م / ۲۲۲ق) در کتاب فضائل القرآن است. نیز کتابی با نام الناسخ و المنسوخ نگاشته که ابوجعفر نحاس (م / ۳۳۸ق) ضمن اشاره به مطالب این کتاب، از سه نوع نسخ در آن یاد می‌کند و آن‌گاه می‌گوید: «برخی بر این باورند که نوع چهارمی از نسخ وجود دارد و آن این است: آیه‌ای نازل شود و مدتی هم تلاوت گردد، سپس تلاوت آن نسخ شود، ولی حکمش باقی باشد» (نحاس، ۱۴۰۹ق، ص ۱۱). این عبارت سندی تاریخی درباره نظریه معروف «نسخ التلاوة دون الحکم» است که همواره در علاج احادیث تحریف به نقیصه مورد توجه دانشمندان اهل سنت می‌باشد.

بیشتر اهل سنت (طبق این نظریه)، معتقدند این دسته از آیات ابتدا از ناحیه خدا فروآمده‌اند و سپس یا الفاظ آن‌ها همراه با حکمشان منسوخ شده (نسخ التلاوة مع الحکم)، یا فقط تلاوتشان منسوخ شده، ولی حکمشان باقی است (نسخ التلاوة بدون حکم). ابن حزم (ابن حزم، بی‌تا، ج ۱۱، ص ۴۳۴)؛ زرقانی (زرقانی، ۲۰۰۱م، ص ۵۴۵ - ۵۴۷)؛ ابوشامه (مقدسی، ۱۳۹۵ق، ص ۴۲)؛ طحاوی (به نقل از همان: ص ۴۲)؛ سیوطی (سیوطی، بی‌تا، ج ۲، ص ۸۱) و... به این نظریه باور دارند. (نیز برخی خاورشناسان به طور مبسوط به این نظریه پرداخته‌اند؛ مانند: بُرتن، ص ۲۴ - ۵۷) برخی از اهل سنت در دفاع از این نظریه به قدری استوارند که هر کس در آن مناقشه کند وی را متهم به تظاهر به دفاع از قرآن می‌کنند^۱ (قفاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۴۷ - ۲۴۸، و، ح ۳، ص ۱۰۵۳).

آلوسی نیز در این باره قاعده کلی به دست داده و می‌گوید: «هنگام جمع قرآن توسط ابابکر، آیاتی که متواتر نبوده و تلاوتشان منسوخ بوده است، در قرآن نوشته نشد؛ لیکن کسانی که نسخ آن‌ها را نشنیده بودند باز آن‌ها را به‌عنوان آیات قرآن تلاوت می‌کردند جملگی احادیثی که در این باره‌اند (و بیش از آن است که به شمارش در آیند) بر نسخ التلاوة حمل می‌شوند» (آلوسی، همان، ج ۱، ص ۴۵).

آیت‌الله فاضل در نقد و ابطال نظریه نسخ التلاوة می‌گوید: یا این نسخ در زمان پیامبر خدا و به دستور ایشان بوده است (که دلیلی بر این امر نیست، چراکه اهل سنت بر این باورند که آیات منسوخ باید به نحو تواتر نقل شود)، یا آن‌که به دستور پیامبر خدا نبوده و پس از زمان نزول وحی مطرح شده است. در حالت دوم این نظریه همان قول به تحریف خواهد بود.

گذشته از مناقشه‌های امامیه (از جمله آیت‌الله فاضل)، گروهی از قداما و متأخران خود اهل سنت نیز بر ابطال این نظریه رأی داده‌اند، زیرا **اولاً**: این احادیث خبر واحدند. با خبر واحد، اثبات آیات قرآن یا نسخ آن‌ها امکان‌پذیر نیست و اکثر دانشمندان بر این مطلب اتفاق نظر دارند (صبحی صالح، بی‌تا، ص ۲۶۵ - ۲۶۶؛ رشیدرضا، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۱۳ - ۴۱۵؛ مصطفی زید، ج ۱، ۲۸۳؛ زرکشی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۹ - ۴۰؛ ابن جزری، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۲)؛ **ثانیاً**: محتوای آیات مزعومه با آیات قرآن سنخیتی ندارد. روشن است هر آیه‌ای که منسوخ شده، باید مانند آیات دیگر قرآن، اوصاف ویژه قرآن را

۱. برخی از اهل تسنن برای صحت نظریه نسخ التلاوة به آیه شریفه **مَا نُنسَخُ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِئُهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا ...** (بقره، آیه ۱۰۶) تمسک کرده‌اند. استدلال به این آیه برای نظریه مذکور، از ناقلان آیات منسوخه از صحابه نقل نشده است. با آن‌که بر پایه مبنای اهل تسنن آنان سزاوارتر به فهم کتاب خدایند، ضمن آن‌که هرگز در آیات منسوخه، جایگزینی بهتر یا همانند آن - که در آیه اشاره شده است - در کلام این قائلان و دیگران نمی‌بینیم.

از نظر محتوا و اسلوب و جهات فصاحت و بلاغت و... در حد اعجاز داشته باشد. لیکن هر کس اندک آشنایی با آیات قرآنی داشته باشد، اذعان می‌کند، موارد یادشده از این جهات تهی است، بلکه در آن‌ها تناقض و اختلاف به چشم می‌خورد؛ اگر آن‌ها از ناحیه خدا بود، در متن آن‌ها اضطراب و اختلاف نبود، چراکه قرآن می‌فرماید: «اگر [قرآن] از ناحیه غیرخدا بود، در آن اختلاف زیاد می‌یافتند» (نساء، آیه ۶۴). محمد خطیب (ابن خطیب، ۱۳۶۷ق، ص ۱۵۷ - ۱۵۸)، صبحی صالح (صبحی صالح، بی‌تا، ص ۲۶۶) و دیگران به این نکته توجه کرده‌اند. بلاغی نجفی (م/ ۱۳۵۲ق) از دانشمندان امامیه، مضامین این آیات مزعومه را کاویده و از غلط‌ها و اختلاف‌های موجود در آن‌ها، پرده برداشته است. (بلاغی، الف، بی‌تا، ص ۲۰) **ثالثاً:** نسخ آیات قرآن به عصر نزول وحی اختصاص دارد، ولی سبک و سیاق برخی از این اخبار دلالت بر نسخ بعد از وفات پیامبر؟ صل؟ و انقطاع وحی، می‌کند (ابن‌انس، بی‌تا، ج ۲، ص ۶۰۵؛ ابن‌سلام، همان، ص ۱۹۰ - ۱۹۱؛ راغب، همان، ج ۲، ص ۴۳۴؛ سیوطی، همان، ج ۳، ص ۸۵؛ نحاس، همان، ص ۱۲) (برای توضیح بیشتر درباره ابطال نسخ التلاوة ر. ک: طباطبائی، ۱۳۹۱ق، ج ۱۲، ص ۱۱۷؛ خوئی، ۱۳۶۴ش، ص ۲۰۶)

بنابراین با این مناقشه‌ها و با توجه این‌که معلوم نیست این آیات دقیقاً در میان کدام آیات در چه سوره‌ای قرار دارد (چون نظریه توقیفی بودن آیات نزد اهل تسنن تقریباً قطعی است) و نیز ناقلان این روایات از نسخ آن‌ها سخنی نگفته‌اند و در متن این روایات نیز سخنی از نسخ نیست، این نظریه قابل دفاع نمی‌باشد؛ هرچند این به معنای اسقاط یا سقوط آیات و کلمات قرآن نیست، چون این روایات، علاج‌های دیگری هم دارد که خود اهل سنت هم متعرض آن شده‌اند. افزون بر آن، این روایات با ادله سلامت قرآن از تحریف در تعارض و ناگزیر ساقط‌اند.

پس از بیان آرای اهل سنت، لازم است به دیدگاه دانشمندان امامیه نیز درباره این احادیث اشاره کنیم. ایشان بدون آن‌که تردید کنند، این نسخ روایات را (جز آن مورد که تأویلی مناسب داشته باشد) باطل شمرده‌اند. از جمله قدمای امامیه می‌توان به فضل بن شاذان (م/ ۲۰۶ق) در ردّ نسبی که به ابن مسعود درباره معوذتین داده‌اند، (ابن‌شاذان، بی‌تا، ص ۲۲۹) سید مرتضی (م/ ۴۳۶ق) در ردّ نظریه نسخ التلاوة و وجود خطا در الفاظ قرآن (شریف مرتضی، همان، ج ۱، ص ۲۰۵ - ۲۰۶) و شیخ طبرسی (م/ ۵۳۸ق) در رد و ابطال وجود خطا در الفاظ قرآن (طبرسی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۹۰، ج ۲، ص ۲۱۴ - ۲۱۵)، علی بن طاووس حلی (م/ ۶۶۴ق) در نقد پندار زیادت آیه بسمله در قرآن (ابن‌طاووس، ۱۳۶۳ش، ص ۱۴۴ - ۱۴۵)، علامه حلی (م/ ۷۲۶ق) در بررسی و نقد سوره‌های خلع و حقد (حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۲۶۲ - ۲۶۳) و درباره آیه بسمله (همان: ص ۱۳۲ - ۱۳۳) اشاره کرد.

ارزیابی ادعای آلوسی در باب نسبت تحریف قرآن به شیعه از منظر آیت الله فاضل لنکرانی ۱۷

از جمله متأخران نیز می توان شیخ محمد جواد بلاغی (بلاغی، الف، بی تا، ص ۱۳ - ۱۵؛ ب، بی تا، ص ۱۲۳ - ۱۲۴)، علامه طباطبائی (طباطبائی، ۱۳۹۱ق، ج ۱۲، ص ۱۱۷)، آیت الله خوئی (خوئی، ۱۳۶۴ش، ص ۲۰۶ به بعد)، سید مرتضی عسکری (عسکری، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۳۵ - ۶۷، ۶۳۰ - ۶۳۱ و ۶۷۱) و استاد محمدهادی معرفت (معرفت، ۱۳۹۸ق، ص ۱۵۸ - ۱۶۲) نام برد. آنان مباحث گسترده و همه جانبه ای را در این زمینه سامان داده اند.

نتیجه گیری

آیت الله فاضل لنکرانی در فصل «عدم تحریف الکتاب» پس از تعریف معانی تحریف و ارزیابی و نقد آن، دیدگاه مذهب امامیه را درباره تحریف ناپذیری قرآن بیان کرده است. سپس در سه محور به نقد و ابطال دیدگاه محمود آلوسی (م/۱۲۷۰) مؤلف تفسیر روح المعانی می پردازد که به صراحت شیعه را به تحریف قرآن متهم ساخته است. در این پژوهش پاسخ های آیت الله فاضل در هر کدام از این محورها نقل شده به همراه تکمیل، شرح، پاسخ نقضی و... نقل شده تا قرآن پژوهان، دیدگاه ایشان را ژرف تر و مشروح تر بنگرند و به گزاف گویی های آلوسی به صورت شفاف و روشن پی ببرند:

محور اول: پاسخ به ادعای او درباره نسبت تحریف قرآن به شیعه بر پایه روایات کتاب کافی کلینی و مثالب ابن شهر آشوب در دو مقام: الف) شهرت قول به عدم تحریف قرآن بین علمای شیعه با تتبع در آثار مفسران، محدثان، اصولیون، متکلمان و فقهای امامیه نیز به انبوهی از دانشمندان برمی خوریم که به سلامت قرآن از تحریف گواهی داده اند، تا جایی که می توان در این زمینه ادعای اجماع کرد. ب) پاسخ به نقد آلوسی درباره روایات کتاب کافی کلینی و مثالب ابن شهر آشوب: بر فرض برخی محدثان شیعی قائل به تحریف باشند، نمی توان از آن نتیجه گرفت که پس همه شیعه یا مشهور آنان قائل به تحریف اند. افزون بر آن منشأ این نسبت، به خاطر اخبار مذکور در کتب این محدثان است. با آن که باید مفاد خبر، وجود معارض، حجیت داشتن خبر (به ویژه خبر واحد) را در این مسئله بررسی کرد. مدعیان تحریف در کافی به عنوان باب «إِنَّهُ لَمْ يَجْمَعْ الْقُرْآنَ كُلَّهُ إِلَّا الْأَثَمَةَ وَإِنَّهُمْ يَعْلَمُونَ عِلْمَهُ كُلَّهُ» و نیز احادیث باب «فیه نکت و تنفی من التنزیل فی الولاية»، یا روایاتی چون «قرآنی که جبرائیل برای محمد صل؟ آورد هفده هزار آیه دارد» استناد کرده اند که بی اساس است.

استناد «أَنَّ سُوْرَةَ الْوَالِيَةِ اسْقَطَتْ بِتَمَامِهَا» به ابن شهر آشوب - توسط آلوسی - نیز خطایی محض و فاقد مدرک است.

محور دوم: نقد ادعای وی درباره اجماع اهل سنت بر عدم تحریف قرآن

برای بطلان این ادعا همین بس که نظریه نسخ التلاوة که آلوسی به عنوان علاج روایات تحریف آورده، عین قول به تحریف است. پس نمی توان گفت «جمهور علمای سنی قائل به عدم تحریف اند» در ضمن اگر بخواهیم بر شیوه آلوسی مشی کنیم، باید از یک سو همه اهل سنت را قائل به تحریف بدانیم، زیرا وی به دلیل ذکر اخبار تحریف نما در برخی از کتب روایی شیعه، همه آنان را قائل به تحریف می داند و از سوی دیگر مؤلفان کتب روایی سنی را نیز - که ناقل این روایات هستند - در زمره تحریف گرایان محسوب کنیم. به علاوه پاره ای از علمای اهل سنت قائل به تحریف اند که ناقض اجماع ادعایی آلوسی است.

محور سوم: ارزیابی و نقد نظریه نسخ التلاوة و اثبات همسانی این نظریه با قول به تحریف

اهل سنت - از جمله آلوسی - در توجیه روایاتی که به پاره ای از صحابه نسبت داده شده و دلالت بر کاهش یا افزایش در آیات دارد؛ راه حل هایی را پیشنهاد داده اند که یکی از آنها «نسخ التلاوة» است. هر چند این نظریه علاوه بر علمای شیعه (که این سنخ روایات را باطل شمرده اند، مگر آن که تأویلی مناسب داشته باشد)، مقبول گروهی از اهل سنت نیز واقع نشده است.

آیت الله فاضل برای رد این نظریه ابتدا برخی از روایات سنی را (افزون بر آنچه آلوسی نقل کرده) در این زمینه بیان می کند تا نشان دهد متن این روایات با صراحتی که دارد به گونه ای است که نمی توان آنها را - طبق دیدگاه آلوسی - بر نسخ التلاوة، حمل کرد و سپس به نقد نظریه نسخ التلاوة می پردازد. زیرا یا این نسخ در زمان پیامبر خدا و به دستور ایشان بوده است (که دلیلی بر این امر نیست، چراکه اهل سنت بر این باورند که آیات منسوخ باید به نحو تواتر نقل شود)، یا آن که به دستور پیامبر خدا نبوده و پس از زمان نزول وحی مطرح شده است. در حالت دوم این نظریه همان قول به تحریف خواهد بود.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه براساس المیزان، محمدرضا صفوی، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۵ش.
۲. آلوسی، محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، تحقیق محمدحسین العرب، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷ق.
۳. آشتیانی، محمدحسن، بحر الفوائد فی شرح الفرائد، قم، مکتبه آیت الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق.
۴. ابن ابی داود، ابوبکر عبدالله، کتاب المصاحف، تصحیح: آرتور جفری، مصر، ۱۹۳۶م.
۵. ابن ابی شیبہ، عبدالله، کتاب المصنّف فی الاحادیث و الاخبار، تصحیح محمد عبدالسلام شاهین، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۶ق.
۶. ابن انس، مالک، الموطأ، تصحیح و تعلیق محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت، [بی تا].
۷. ابن جریر، محمد، جامع البیان فی تأویل ای القرآن، بیروت، [بی تا]، ۱۴۰۸ق.
۸. ابن جزری، محمد، النشر فی القراءات العشر، تصحیح علی محمد الضیاع، مصر، مطبعة محمد، [بی تا].
۹. ابن حجاج، مسلم، صحیح مسلم، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی، [بی تا]، بیروت، [بی تا].
۱۰. ابن حزم اندلسی، علی بن احمد، المحلی، تحقیق لجنة احياء التراث العربی، بیروت، [بی تا].
۱۱. ابن حنبل، احمد، مسند الامام احمد بن حنبل، المشرف علی تحقیق المسند: شعيب الارنؤوط، بیروت، مؤسسة الرساله، ۱۴۱۹ق.
۱۲. ابن خطیب، محمد، الفرقان، قاهره، دارالکتب المصریه، ۱۳۶۷ق.
۱۳. ابن سلام، قاسم، فضائل القرآن، تحقیق و تعلیق وهبی سلیمان خارجی، بیروت، ۱۴۱۱ق.
۱۴. ابن شاذان، فضل، الايضاح، تحقیق ارموی، تهران، منشورات جامعه طهران، [بی تا].
۱۵. ابن شیبّه، عمر، تاریخ مدینه المنوره، تحقیق فهیم محمد الندوة، قم، [بی تا]، ۱۴۱۰ق.
۱۶. ابن شهر آشوب محمد بن علی، متشابه القرآن و مختلفه، قم، انتشارات بیدار، ۱۳۲۸ش.
۱۷. _____، مثالب النواصب، مخطوط، نسخه لکنهو و نسخه مدرسه سپهسالار تهران.
۱۸. ابن ضریس، محمد بن ایوب، فضائل القرآن، تحقیق عروة بدیر، دمشق، ۱۴۰۸ق.
۱۹. ابن طاووس، علی، سعد السعود، قم، المنشورات الرضی، ۱۳۶۳ش.
۲۰. ابوریه، محمود، اضواء علی السنة المحمدیه، قم، انتشارات انصاریان، ۱۴۱۶ق.
۲۱. ابونعیم اصفهانی، احمد بن عبدالله، حلیة الاولیاء و طبقات الاصفیاء، ط الخامسة، بیروت، [بی تا]، ۱۴۰۷ق.
۲۲. ابویعلی موصلی، احمد، مسند ابی یعلی، تحقیق حسین سلیم اسد، بیروت، [بی تا]، ۱۴۰۸ق.

٢٣. اردبیلی، احمد (محقق اردبیلی)، *مجمع الفوائد و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان*، قم، منشورات جامعة المدرسين، ١٤٠٢ق.
٢٤. الهی ظهیر، احسان، *الشیعة والقرآن*، لاهور پاکستان، اداره ترجمان السنة، ١٤٠٣ق.
٢٥. امام خمینی، روح الله، *انوار الهدایة*، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ١٤٢٥ق.
٢٦. امام خمینی، روح الله، *تهذیب الاصول*، تقریر شیخ جعفر سبحانی، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ١٣٨٠ق.
٢٧. امین، سیدمحسن، *اعیان الشیعه*، تحقیق حسن الامین، بیروت، دارالتعارف، ١٤٠٢ق.
٢٨. امینی، عبدالحسین، *الغدیر فی الكتاب و السنة و الادب*، تهران، [بی نا]، ١٣٦٦ش.
٢٩. بخاری، محمد بن اسماعیل، *صحیح بخاری*، بیروت، دار احیاء التراث، [بی تا].
٣٠. برتون، جان، *دائرة المعارف قرآن*، لیدن.
٣١. بل، ریچارد، *درآمدی بر تاریخ قرآن*، بازنگری، مونگمری وات.
٣٢. بلاغی، محمدجواد، *آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن*، قم، مکتبه الوجدانی، [بی تا].
٣٣. _____، *الهدی الی دین المصطفی*، قم، دارالکتب الاسلامیة، [بی تا].
٣٤. بیضاوی، عبدالله، *انوار التنزیل و اسرار التأویل* (تفسیر بیضاوی)، بیروت، دارالکتب العلمیة، [بی تا].
٣٥. تبریزی، موسی (محقق تبریزی)، *اوثق الوسائل بشرح الرسائل*، انتشارات کتبی، [بی تا].
٣٦. ترمذی، محمد بن عیسی بن سوره، *الجامع الصحیح* (السنن الترمذی)، تحقیق احمد محمد شاکر، طبع بیروت، [بی تا].
٣٧. تنکابنی، شیخ محمد بن سلیمان، *توشیح التفسیر فی قواعد التفسیر والتأویل*، قم، بی نا، ١٤١١ق.
٣٨. جرجانی، ابوالمحاسن، *جلاء الاذهان* (تفسیر گازر)، به کوشش حسینی ارموی، تهران، [بی نا]، ١٣٧٧ش.
٣٩. جفری، آرتور، *مقدمتان فی علوم القرآن*، القاهره، [بی نا]، ١٩٥٤م.
٤٠. جوادی آملی، عبدالله، *نزاهت قرآن از تحریف*، تحقیق علی نصیری، قم، مرکز نشر اسراء، ١٣٨٤ش.
٤١. حاکم نیشابوری، ابوعبدالله، *المستدرک علی الصحیحین*، با اشراف یوسف عبدالرحمن مرعشی، بیروت، ١٤٠٧ق.
٤٢. حائری یزدی، شیخ عبدالکریم، *دررالفوائد فی الاصول*، طبع الحجریة، [بی تا].
٤٣. حر عاملی، محمدبن الحسن، *رسالة فی اثبات تواتر القرآن (فی ضمن تراث الشیعة القرآنی المجلد الرابع)*، قم، مکتبه علوم القرآن و التفسیر، ١٤٣٠ق.
٤٤. حسنی، ابوالمکارم محمد بن ابوالفضل، *تفسیر البلابل و القلائل*، چ سوم، ١٩٨١م.
٤٥. حسینی میلانی، علی، *التحقیق فی نفسی التحریف عن القرآن الشریف*، انتشارات شریف رضی، ١٤١٧ق.

ارزيابي ادعای آلوسی در باب نسبت تحريف قرآن به شيعه از منظر آيت الله فاضل لنكراني ۲۱

۴۶. حلی، حسن بن يوسف بن مطهر (علامه حلی)، *تذکرة الفقهاء*، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۴ق.
۴۷. حلی، محمد بن احمد بن ادريس، *المنتخب من تفسير القرآن و النکت المستخرجة من كتاب التبيان*، تحقيق: رجالي، ۱۴۰۹ق.
۴۸. حمصی رازی، سديدالدين محمود، *المنتقد من التقليد*، قم، مؤسسة نشر الاسلامی، ۱۴۱۲ق.
۴۹. خوئی، سيد ابوالقاسم، *البيان في تفسير القرآن*، تهران، نشر مروی، ۱۳۶۴ش.
۵۰. دمیاطی، *اتحاف فضلاء البشر في قراءة اربع عشر*، بيروت، [بی نا]، ۱۴۱۰ق.
۵۱. دهخدا، علی اکبر، *لغتنامه دهخدا*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۴ش.
۵۲. رازی، ابوالفتح، *روض الجنان و روح الجنان في تفسير القرآن*، قم، مكتبة آيت الله المرعشي، ۱۴۰۴ق.
۵۳. راغب اصفهانی، حسين بن محمد، *محاضرات الادباء و محاورات الشعرا و البلاغ*، ط بيروت.
۵۴. راوندى، قطب الدين، *الخرائج و الجرائح*، تحقيق مؤسسة الامام المهدي، قم، ۱۴۰۹ق.
۵۵. رشيدرضا، محمد، *المنار* (دروس شيخ محمد عبده)، بيروت، دارالمعرفة، [بی تا].
۵۶. زرقانی، محمد عبدالعظيم، *مناهل العرفان*، بيروت، دارالمدار الاسلامی، ۲۰۰۱م.
۵۷. زركشى، بدرالدين، *البرهان في علوم القرآن*، تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم، بيروت، دارالمعرفة، ط الثانية.
۵۸. زمخشری، جارالله محمود، *الكشاف في حقائق غوامض التنزيل و عيون الاقوال في وجوه التأويل*، بيروت، دارالكتاب العربي، ۱۴۰۷ق.
۵۹. سيورى، مقداد، *كنز العرفان في فقه القرآن*، تصحيح محمدباقر شريفزاده، تهران، ۱۳۴۳ق.
۶۰. سيوطی، جلال الدين، *الاتقان في علوم القرآن*، بيروت، دارالندوة، [بی تا].
۶۱. _____، *الدر المنثور في تفسير المأثور*، بيروت، ۱۴۰۳ق.
۶۲. شرف الدين، سيد عبدالحسين، *اجوبة المسائل جارالله*، نجف، نعمان، ۱۳۸۶ق.
۶۳. _____، *الفصول المهمة في تأليف الامة*، ط نجف، ۱۳۷۵ق.
۶۴. شعرائی، عبدالوهاب بن احمد، *الكبريت الاحمر*، هامش البواقيت و الجواهر.
۶۵. شهرستانی، سيد محمدحسين، *حفظ الكتاب الشريف عن شبهة القول بالتحريف*، [بی جا]، ۱۳۹۵ق.
۶۶. شيبانی، محمد بن علی نقی، *مختصر نهج البيان عن كشف معانى القرآن*، تحقيق درگاهي، دارالاسوة، ۱۳۷۶ش.
۶۷. شيخ مفيد، محمد بن محمد بن نعمان، *المسائل السروية*، تحقيق صائب عبدالحميد، قم، المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد، ۱۴۱۳ق.
۶۸. _____، *اوائل المقالات و مذاهب المختارات*، تعليق زنجاني، تبريز، ۱۳۷۱ش.

٦٩. شیرازی، صدرالدین محمد بن ابراهیم (ملاصدرا)، *تفسیر القرآن الکریم*، تصحیح محمد خواجوی، قم، انتشارات بیدار، ١٣٦١ق.
٧٠. صبحی، صالح، *مباحث فی علوم القرآن*، ط الرابع، بیروت.
٧١. صدوق، ابوجعفر، *الاعتقادات*، تصحیح عصام عبدالسید، بیروت، دارالمفید، ١٤١٣ق.
٧٢. _____، *علل الشرایع*، تقدیم سید محمدصادق بحرالعلوم، نجف، منشورات المكتبة الحیدریة، ١٣٨٥ش.
٧٣. _____، *معانی الاخبار*، قم، انتشارات اسلامی، ١٣٦١ش.
٧٤. _____، *من لایحضره الفقیه*، تعلیق حسن موسوی خراسان، ط ١٣٩٠ق.
٧٥. طباطبائی، محمدحسین، *الحاشیة علی الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ١٣٦٣ش.
٧٦. طباطبائی، محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ١٣٩١ق.
٧٧. طبرسی، فضل بن الحسن، *جوامع الجامع فی تفسیر القرآن الکریم*، تهران، مكتبة الكعبه، ١٣٦٢ش.
٧٨. _____، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، تحقیق محلاتی و طباطبائی، بیروت، دارالمعرفه، ١٤٠٦ق.
٧٩. طوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن، *الفهرست*، بیروت، ١٤٠٣ق.
٨٠. عاملی بیاضی، زین الدین، *الصراط المستقیم الی مستحقی التقدیم*، تصحیح محمدباقر بهبودی، مکتبه الرضویه.
٨١. عاملی، السید محمدجواد الحسینی، *مفتاح الکرامه*، ط الحجری.
٨٢. عاملی، السیدجعفر مرتضی، *حقائق هامة حول القرآن الکریم*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، [بی تا].
٨٣. عسقلانی، ابن حجر، *فتح الباری*، به شرح صحیح بخاری، ط بیروت، بی تا.
٨٤. عسکری، سیدمرتضی، *القرآن الکریم و روایات المدرستین*، قم، دانشکده اصول الدین، ١٤١٥ق.
٨٥. علم الهدی (شریف مرتضی)، علی بن الحسین، *الذخیره فی علم الکلام*، تحقیق سیداحمد حسینی، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ١٤١١ق.
٨٦. _____، *رسائل الشریف المرتضی*، اعداد: سید مهدی رجایی، قم، نشر دارالفکر الکریم، ١٤٠٥ق.
٨٧. _____، *غرر الفوائد و در القلائد* (الامالی)، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، [بی تا].
٨٨. علوی حسینی، میرجعفر، *کشف الحقائق عن نکات الآيات والدقائق*، تهران، مطبعة الموسوی، ١٣٧٩.
٨٩. فاضل تونی، عبدالله، *الوافیه فی اصول الفقه*، المخطوط، مکتبه ال البيت؟ عهم؟.
٩٠. فاضل لنکرانی، محمد، *مدخل التفسیر*، تحقیق: مرکز فقه الأئمة الاطهار، قم، ١٤٢٨ق.
٩١. فاضل هندی، *الکوکب الدرری* (المطبوع فی ضمن تراث الشیعة القرآنی، المجلد الخامس)، قم، مؤسسه

آل البيت؟ هم؟، ۱۴۳۰ق.

۹۲. فیض کاشانی، محمد محسن، *کتاب الوافی*، قم، منشورات مکتبة آیت الله المرعشی النجفی، [بی تا].
۹۳. قرطبی، محمد بن احمد، *الجامع لاحکام القرآن*، قاهره، دارالکتب العربی، ۱۳۸۷ق.
۹۴. قفاری، ناصر، *اصول مذهب الشيعة الامامية الاثنى عشرية*، [بی جا]، ۱۴۱۵ق.
۹۵. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، *کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تحقیق حسین درگاهی، تهران، ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ق.
۹۶. کاشانی، محمد بن مرتضی، *المعین فی تفسیر کتاب المعین*، تصحیح علی اکبر غفاری، [بی تا].
۹۷. کاشانی، ملافتح الله، *منهج الصادقين في الزام المخالفين*، تهران، انتشارات اسلامی، [بی تا].
۹۸. کاشف الغطاء، محمد حسین، *اصل الشيعة و اصولها*، ط بیروت، ۱۴۰۵ق.
۹۹. کاشفی، کمال الدین حسین، *المواهب العلیة*، تصحیح سید محمدرضا جلالی، ۱۳۱۷ش.
۱۰۰. کلینی، محمد بن یعقوب، تصحیح: علی اکبر الغفاری، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۳ش.
۱۰۱. کورانی، شیخ علی، *تدوین القرآن*، قم، دار القرآن الکریم، [بی تا].
۱۰۲. گلدریهر، ایگناز، *مذاهب التفسیر الاسلامی*، مصر، مکتبة الخانجی، ۱۳۷۴ق.
۱۰۳. لاهیجی، محمد بن شریف، *تفسیر شریف لاهیجی*، تصحیح جلال الدین ارموی.
۱۰۴. مال الله، محمد، *الشيعة و تحریف القرآن*، مکتبة ابن تیمیة، ط الثالثة، ۱۴۰۹ق.
۱۰۵. مامقانی، شیخ عبدالله، *تنقیح المقال فی علم الرجال*، تحقیق محی الدین المامقانی، قم، مؤسسة آل البيت، ۱۴۳۰ق.
۱۰۶. متقی هندی، علی، *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۵ق.
۱۰۷. مجلسی، محمدباقر، *مرآة العقول*، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۳ش.
۱۰۸. معرب طهرانی، محمد، *كشف الارتباب في عدم تحریف الكتاب*، (مطبوع فی ضمن تراث الشيعة القرآنی، المجلد ۸)، قم، مکتبة التفسیر و علوم القرآن، ۱۳۹۴ش.
۱۰۹. معرفت، محمدهادی، *التمهید فی علوم القرآن*، قم، مطبعة مهر، ۱۳۹۸ق.
۱۱۰. _____، *صيانة القرآن عن التحريف*، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۸ق.
۱۱۱. مقدسی، عبدالرحمن، *المُرشد الوجیز الی علوم تتعلق بالکتاب العزیز*، تحقیق طیار قولاج، بیروت، دارصادر، ۱۳۹۵ق.
۱۱۲. ناکور، ابوالفیض، *سواطع الالهام*، تحقیق سیدمرتضی آیت اللهزاده شیرازی، انتشارات یاران، ۱۴۱۷ق.
۱۱۳. نجارزادگان (محمدی)، فتح الله، *تحریف ناپذیری قرآن*، تهران، نشر مشعر، ۱۳۸۴ش.

۲۴ دوفصلنامه علمی ترویجی نشریه مطالعات تطبیقی قرآن و حدیث / سال ۸ / شماره ۱۳ / پاییز و زمستان ۱۳۹۸

۱۱۴. _____، *سلامة القرآن عن التحریف و تفنید الافتراءات علی الشيعة الامامية*، تهران، نشر مشعر، ۱۴۱۲۴ق.

۱۱۵. نحاس، ابوجعفر محمد بن احمد، *كتاب الناسخ و المنسوخ*، بیروت، ۱۴۰۹ق.

۱۱۶. نسائی، احمد بن شعيب، *السنن الكبرى*، تحقیق سلیمان البنداری و سید کسروی حسن، بیروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۱۱ق.

۱۱۷. نوری، میرزا حسین، *فصل الخطاب*، الطبع الحجري، [بی جا، بی نا]، ۱۲۹۸ق.

۱۱۸. هیشمی، ابوبکر، *مجمع الزوائد و منبع الفوائد*، بتحریر العراقي و ابن حجر، بیروت، دارالکتب العربی، ط الثالثة، ۱۴۰۲ق.

۱۱۹. وحید بهبهانی، محمدباقر، *الفوائد الحائریه*، تحقیق لجنة تحقیق مجمع الفکر الاسلامی، قم، مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۱۵ق.